فهرست مطالب

[مقدمه 2](#_Toc406975427)

[تقیه اخباری و انشائی 2](#_Toc406975428)

[نفاق انشائی و خبری 2](#_Toc406975429)

[بحثی در وجوب یا عدم وجوب صدق 3](#_Toc406975430)

[معانی صدق 3](#_Toc406975431)

[مقدمه: انواع موجودات به لحاظ حکایت‌گری 3](#_Toc406975432)

[نوع اول: موجوداتی که فقط حکایت‌گر وجود دیگر می‌باشند 3](#_Toc406975433)

[نوع دوم: وجوداتی که علاوه بر حکایتگری دارای هویت می‌باشند 3](#_Toc406975434)

[معنای اول صدق: مطابقت قول با نفس الامر 4](#_Toc406975435)

[معنای دوم صدق: مطابقت قول و عقیده با عمل 4](#_Toc406975436)

[محل بحث: صدق به معنای اول «مطابقت قول با نفس الامر» 5](#_Toc406975437)

[دلالت روایات بر وجوب صدق 5](#_Toc406975438)

[معنای وجوب صدق: صدق حدیث نه تحدث به صدق 5](#_Toc406975439)

[محور صدق: قصد **إخبار** 6](#_Toc406975440)

بسم الله الرحمن الرحيم

# مقدمه

بحث در نسبت کذب با برخی عناوین مانند نفاق، تقیه، ریا بود که در باب تقیه و نفاق نکته‌ای باقی‌مانده است که به آن اشاره می‌کنیم.

# تقیه اخباری و انشائی

در تقیه هم حالت اخباری و هم حالت انشایی وجود دارد که هر دو نوع تقیه باوجود شرایطش، در شرع تجویزشده است. تقیه انشایی به این معنا است که مثلاً گاهی انسان در شرایطی قرار می‌گیرد مانند داستان عمار و مادرشان، که باید برای جلوگیری از ضرر برخلاف آنچه عقیده دارد انشاء شهادت به کفر کند و تقیه اخباری هم مانند تقیه‌ای که حالت اخباری در آن وجود دارد و از باب تقیه و برخلاف واقع و باطن چه بالمطابقه و چه بالالتزام خبر می‌دهد. آنچه بیان شد در اینکه گاهی تقیه مصداق کذب قرار می‌گیرد، مراد تقیه خبری می‌باشد اما تقیه انشایی ارتباطی با کذب ندارد.

#  نفاق انشائی و خبری

در نفاق هم مانند تقیه گاهی نفاق، نفاق انشائی است به‌خصوص در نفاق اعتقادی که غالباً همین‌طور است و گاهی نفاق خبری است مانند **«إِذا جاءَك‏ الْمُنافِقُونَ قالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ»**[[1]](#footnote-1) که عبارت **«قالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّه»** هم می‌تواند اخباری باشد و هم انشائی باشد که هر دو مصداق نفاق می‌باشد و آنچه در ارتباط با ارتباط کذب با نفاق مطرح شد، مراد نفاق خبری می‌باشد و نفاق خبری می‌تواند مصداق کذب واقع شود.

# بحثی در وجوب یا عدم وجوب صدق

بحث بیست و پنجم که گاهی نیز در بین مردم هم مطرح می‌شود این است که آیا صدق هم واجب است یا اینکه فقط کذب حرام است؟ اگر واسطه‌ای بین کذب و صدق نباشد، این سؤال چندان مهم جلوه نمی‌کند ولی اگر واسطه‌ای یا نکتۀ خاصی در کار باشد این سؤال اهمیت پیدا می‌کند. قبل از پاسخ به این سؤال نکاتی را مطرح می‌کنیم.

## معانی صدق

ماده صدق و به‌تبع ماده صدق مشتقات آن مانند صادق دارای دو معنا می‌باشد.

### مقدمه: انواع موجودات به لحاظ حکایت‌گری

قبل از آنکه معنی صدق را بیان کنیم لازم است در ابتدا به انواع موجودات به لحاظ حکایت‌گری و عدم حکایت‌گری آن‌ها اشاره‌کنیم.

نوع اول: موجوداتی که فقط حکایت‌گر وجود دیگر می‌باشند.

نوع اول از وجودات، وجوداتی است که ذات و شأن آن‌ها، حکایت‌گری می‌باشد و حاکی از وجود و چیز دیگری می‌باشد مثل‌اینکه وقتی شخصی سخن و کلامی می‌گوید آن سخن یا ایقاعی است و مطلبی را ایقاع می‌کند و یا اینکه خبری است و حکایت‌گر معنای دیگری می‌باشد و خود آن سخن موضوعیتی ندارد مانند قول، اشاره و دوال وضعی لفظی و اشاری که هویت آن‌ها هویت دلالی و حکائی می‌باشد. البته در برخی موارد هم استثناء هم وجود دارد مثل‌اینکه خود حرف زدن موضوعیت داشته باشد نه اینکه معنای آن مراد باشد مانند جایی که بخواهد حرف زدن را به بچه‌ای آموزش دهد. اما معمولاً جملات خبری ذات و هویت حکایت‌گری دارند

#### نوع دوم: وجوداتی که علاوه بر حکایتگری دارای هویت می‌باشند

نوع دوم وجوداتی است که در ذات خود یک هویت، فلسفه‌ای و هدفی دارند گرچه می‌توانند حکایت از چیز دیگری هم باشند. مانند افعال انسان مثل نمازخواندن تجارت کردن که ذات و هویت این‌ها حکائی نیست و خود این افعال موضوعیت دارند اما اگر در برخی از این افعال دقت شود به‌نوعی دارای دلالت‌های عقلی، طبعی و عرفی می‌باشند مانند اینکه هرگاه شخصی کاری انجام می‌دهد دلالت بر این دارد که دارای حیات می‌باشد و مشاعرش در حال کار کردن می‌باشد و در مواردی ممکن است این نوع وجودت مانند نوع اول چیزی را انشا کنند و یا اینکه حکایت‌گر و خبردهنده از وجود و چیز دیگری هم باشند اما درهرحال فلسفه و هویت اصلی آن‌ها حکایت‌گری نمی‌باشد.

### معنای اول صدق: مطابقت قول با نفس الامر

معنای اول صدق و کذب معنایی است که از اوصاف خبر و مخبر می‌باشد و ویژه نوع اول وجودت یعنی وجوداتی که ذات آن‌ها این است که یحکی عن الامر الآخر و از چیز دیگری حکایت می‌کنند، می‌باشد و صدق به معنای مطابقت با واقع و نفس الامر می‌باشد و معنای کذب هم عدم مطابقت با واقع و نفس الامر می‌باشد. البته در این معنا اراده مخبر هم مهم است که آیا اراده مخبر بر صدق و بیان واقعیت بوده است و یا اینکه اراده مخبر، کذب و عدم بیان واقعیت بوده است. البته در تفکرات فلسفی جدید مانند تفکرات پراگماتیسم‌ها، ملاک‌های دیگری مانند وجود فایده عملی یا نبود فایده عملی و یا انسجام و یا عدم انسجام گزاره‌ها بیان‌شده که باید در جای خود بحث شود ولی آنچه مسلم و قابل دفاع است همان است که بیان شد.

### معنای دوم صدق: مطابقت قول و عقیده با عمل

معنای دوم صدق اعم از معنای اول صدق می‌باشد و اختصاص به اقوال و مطابقت قول با واقع و نفس الامر و همچنین اختصاص به وجودت نوع اول ندارد بلکه به معنای مطابقت عمل و کردار شخص با قول و عقیده آن شخص می‌باشد و یا در انشائات به این معنا است که آن شخص متعهد به آن انشاء و ایقاع می‌باشد. به شخصی که چنین ویژگی را داشته باشد شخص صادق گفته می‌شود. پس صدق معنای دومی دارد که تطابق خبر با مخبر عنه نیست (که معنای اول بود) بلکه تطابق یک‌لایه از وجود انسان با لایۀ دیگر وجود انسان یعنی تطابق عمل شخص با قول و عقیده و همچنین در انشاءات به معنای متعهد بدون شخص نسبت به آنچه انشاء نموده می‌باشد. صدق در آیه **«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ»**[[2]](#footnote-2)به همین معنا می‌باشد. و کذب هم طبق این معنا عدم مطابقت قول و عقیده با عمل می‌باشد. صدق در این معنای دوم زیاد به کار می‌رود و در قرآن نیز در مواردی به‌کاررفته است و گاهی نیز کذبی که در مقابل معنای دوم صدق می‌باشد، به کار می‌رود.

### محل بحث: صدق به معنای اول «مطابقت قول با نفس الامر»

معنای اول صدق که مطابقت قول با نفس الامر و به عبارتی مطابقت خبر با مخبر عنه است، محل بحث می‌باشد نه معنای دوم صدق.

## دلالت روایات بر وجوب صدق

روایات مرتبط با محل بحث در کتاب العشره باب 108 باب وجوب صدق، باب 1 حدیث 2، باب 2 حدیث 7، و ابواب 117، 120،123 و 143 و همچنین در ابواب جهاد النفس در ذیل روایات امربه‌معروف باب 2 حدیث 7 و باب 4 حدیث 2 و 4 و 8 و 11 و همچنین در باب 6 احادیث مرتبط با بحث ذکرشده است که برخی روایات فقط بر رجحان و برتری صدق دلالت می‌کنند اما روایاتی نیز وجود دارد که بر وجوب صدق دلالت دارند و به‌واسطه همین روایت وجوب صدق ثابت می‌شود.

## معنای وجوب صدق: صدق حدیث نه تحدث به صدق

مطلب دیگری که باید بیان شود این است که معنای وجوب صدق چیست؟ آیا به این معنا است که انسان لازم هر سخن راستی را بگویید؟ در جواب باید گفت خیر معنای وجوب صدق این نیست که بر انسان لازم است هر سخن راستی را بگویید بلکه بدین معنا است که اگر انسان سخنی در مقام اخبار و حکایت گفت آن سخن باید راست باشد و نباید دروغ باشد و به عبارتی معنای یجب الصدق این است که إذا تحدّثتَ فعلیک أن تکون صادقاً نه اینکه یجب علیک أن تتحدّث بالصدق پس وجوب روی صدق حدیث رفته است نه روی تحدث به صدق.

## محور صدق: قصد **إخبار**

با توجه به اینکه به نظر ما توریه جایز است و محور کذب قصد می‌باشد در طرف صدق هم‌محور صدق کلام، قصد إخبار می‌باشد بنابراین جایز است کلامی ذکر شود هرچند مطابق با واقع نباشد به شرطی که ظاهر آن کلام قصد نشود و متکلم توریه کند و این کلام خلاف صدق نمی‌باشد چون مراد از صدق در ادله وجوب صدق با توجه به ادله جواز توریه صدق مخبری است نه صدق خبری و بر اساس همین مطالب واسطه‌ای بین صدق و کذب وجود ندارد.

1. - منافقون/ 1 [↑](#footnote-ref-1)
2. - احزاب/ 23 [↑](#footnote-ref-2)